کوتاه‌تر از گزارش

مرگ در مرگ

لیلا شوقی

جامعه

دالان باریك پر شده است از تاج گل، تاج گل‌هایی شبیه به هم و قد بلند، همه تاج گل‌ها، ایستاده‌اند کنار هم. چند تاج گل دیگر هم در راه است. رفت و آمد در دالان خیلی زیاد است. مردان جوان، دوش به دوش هم، قیچی به دست یا نه، گل به دست، کنار هم راه می‌روند، بی‌ماسك، بی‌دستکش، در فاصله کم قدم برمی‌دارند. اینجا دالان مرگ است. دالان ورودی برای مراسم ختم. هرچند که طبق نظر ستاد ملی مبارزه با بیماری کرونا، هیچ مراسم ختم و مراسم عروسی نباید برگزار شود. همین چند روز پیش هم حسن روحانی، رئیس‌جمهور از مردم درخواست کرده بود که از برگزاری «اجتماعات مانند عروسی، عزا و تجمع‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای» خودداری کنند. درخواستی که گویا برای خیلی از مردم مهم نبوده است. البته به گفته قاسم نوده فراهانی، رئیس اتاق اصناف تهران قرار بوده تصمیم‌گیری درباره بازگشایی تالارهای پذیرایی دیروز انجام شود، هرچند که تا قبل از تحریر این گزارش، تصمیمی درباره‌اش گرفته نشده و مردم مانند مسجد معروف، مراسم عزاداری خود را برگزار می‌کنند.

چند مرد میانسال، لباس مشکی پوشیده، ایستاده‌اند دم در مسجد مشهور تهران. دست‌هایشان را جمع کرده‌اند روی شکم و سر خم کرده‌اند به طرفی. برای هر کسی که به آنها تسلیت می‌گوید، سر تکان می‌دهند و بعد چشم‌ها را جمع می‌کنند و نگاهشان را می‌دوزند به زمین. کنار در بزرگ آهنی، دو نفر ایستاده‌اند و به هر مهمانی که ماسك ندارد، ماسك می‌دهند. از پله‌ها باید پایین رفت. دالان باریك و سنگینی را رد کرد تا به سالن بزرگ، جایی که مراسم برگزار می‌شود، رسید.

مجبور بودیم

صندلی‌ها را در فاصله ۳۰ سانتی‌متری کنار هم گذاشته‌اند. فاصله‌ای که اگر کمی خم شوید، به مهمان کنار دست می‌خورید. خانم‌های صاحب عزا نشسته‌اند در صدر مجلس، رو به جمعیت. ماسك‌ها را از صورت برداشته‌اند و چند دقیقه یکبار با دستمالی که در دست دارند، اشك‌شان را پاك می‌کنند.

چند خانم جوان، بدون ماسك وارد می‌شوند، می‌روند به سمت عزاداران و بعد با خانم جوانی دست می‌دهند و او را در آغوش می‌گیرند، چندباری می‌زنند پشتش و بعد راهشان را می‌کشند و می‌روند تا کس دیگری را در آغوش بگیرند. خانم کنار دستی، سرگرم قرآن خواندن است. می‌پرسیم: «در شرایط کرونا برای چه در مراسم عزاداری شرکت کرده‌اید؟» ماسکش تنها روی دهانش را پوشانده است، دست می‌برد و بینی‌اش را پاك می‌کند، بعد می‌گوید: «مجبور بودم. از آشنایان هستند.» خانمی به طرفش می‌آید. زن دست دراز می‌کند به سمت خانمی که به طرفش آمده است. خوش و بش گرمی می‌کند و بعد می‌نشیند به ادامه قرآن خواندن.

مراسم در وضعیت قرمز

دو خدمه مسجد، ایستاده‌اند روبه‌روی میز پذیرایی. چند سینی خرما و حلوا، روباز روی میز قرار دارد. خدمه ماسکی به صورت ندارند و بدون دستکش دست می‌زنند به میز و وسایل پذیرایی. هر مهمانی که می‌آید، راهنمایی‌شان می‌کنند به سمت سالن. از زن می‌پرسیم: «در روزهای کرونایی، مگر برگزاری مراسم عزاداری قدغن نیست؟» اول خیره نگاه می‌کند و بعد، شانه بالا می‌اندازد و می‌گوید که از قبل خانواده متوفی وقت رزرو کرده بودند و نمی‌شده مراسم را کنسل کنند، چرا که همه مهمان‌هایشان را دعوت کرده بودند؛ به‌خاطر همین مراسم برگزار شده است. او می‌گوید: «بعد از رزرو اما فهمیدیم که وضعیت قرمز است و نباید مراسمی را قبول می‌کردیم، ولی کار از کار گذشته بود.» این جمله را که می‌گوید، نگاهش را می‌دزدد و نگاهش را می‌اندازد روی سنگفرش راهروی باریك. صدای قرآن خواندن قاری می‌پیچد توی راهرو. پیرمرد از داخل عکس با نگاهی خندان به مهمانان سیاه‌پوش چشم دوخته است.

خوابگاه‌های علوم پزشکی بازگشایی می‌شوند

سیماسادات لاری، معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: خوابگاه‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی با ظرفیت حداکثر دو نفر در هر اتاق در دوران امتحانات بازگشایی می‌شوند.

وی با یادآوری این که دانشگاه‌های علوم پزشکی از ۱۷ خرداد با نیمی از ظرفیت خود بازگشایی شدند، افزود: دانشجویان مهمان در هر یک از اتاق‌های خوابگاه با ظرفیت دو نفر حضور می‌یابند. معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت از تهیه پرسش‌نامه ارزیابی سلامت خبر داد و عنوان کرد: دانشجویان موظف به ارائه اطلاعات خود در این هستند و همچنین در بدو ورود به دانشگاه و خوابگاه بسته‌های بهداشتی شامل ماسک و ژل شست‌وشو، دریافت می‌کنند.

لاری ادامه داد: در برخی دانشگاه‌ها با تب‌سنج ،دمای بدن دانشجویان اندازه‌گیری و اکسیژن خون آنان سنجش می‌شود. اتاق‌های قرنطینه احتمالی نیز در خوابگاه‌ها در نظر گرفته شده است. /ایرنا

غیزانیه ۸۵ روستا دارد و تقریبا ۳۰ هزار نفر عائله که سال‌هاست هم خودشان و هم دام‌هایشان تشنه‌اند

عکس: فارس

حجت‌الاسلام موسوی‌فرد: ختم به‌خیر شدن غائله بی‌آبی درغیزانیه و تمام شدن این حرف وحدیث‌ها فقط و فقط منوط به افتتاح فاز دوم طرح آبرسانی است

۲ هفته پس از اوج‌گیری بحران بی‌آبی در غیزانیه و با وجود آغاز مرحله نخست آبرسانی، مشکل همچنان پابرجاست

غیزانیه؛ آب یا سراب؟

مریم خباز حبیب باسردویی

جامعه

برای مردم غیزانیه که سال‌ها تشنگی کشیده‌اند خبر رسیدن آب از هر چیز دیگری شیرین‌تر است. چهار روز است گفته می‌شود آب به غیزانیه رسیده، این گفته در بوق و کرنا هم رفته است، آن قدر که خیلی‌ها باور کرده‌اند جدال دیرینه مردم غیزانیه با بی‌آبی بالاخره حل شده و بخت بسته این دیار بعد از بلوای اوایل خرداد کاملا بازشده است. اما درد غیزانیه‌ای‌ها هنوز بی‌آبی است و مطالبه اصلی‌شان آب. با این که در خبرها از افتتاح فاز نخست طرح آبرسانی به غیزانیه زیاد گفته می‌شود، ولی این فاز هنوز افتتاح نشده و روبان این آبرسانی قرار است فردا قیچی شود، تازه اگر سر وقت قیچی شود به یک روایت فقط مشکل مردم ۳۰ روستا و به روایتی دیگر مشکل ۴۰ روستا حل می‌شود.

غیزانیه ۸۵ روستا دارد و تقریبا ۳۰ هزار نفر عائله که سال‌هاست هم خودشان و هم دام‌هایشان تشنه‌اند. ۳۰ هزار جفت چشم در دوهفته اخیر که قول و قرار همه مسوولان ملی و محلی با مردم، رساندن آب لوله‌کشی به غیزانیه شده، خیره است به راه که لوله‌ها چه زمانی در زمین کاشته می‌شوند و شیرهای آب کی آب بی‌دغدغه پس می‌دهند.

صادق حقیقی‌پور، مدیرعامل آبفای خوزستان اما به ما می‌گوید روبان افتتاح فاز اول طرح آبرسانی فردا قیچی می‌شود، ولی او نیز نمی‌داند فازهای بعدی که آب را نه فقط در یک گوشه از غیزانیه بلکه در سراسر کالبد آن پمپاژ کند چه زمانی افتتاح می‌شود و چه وقت خیرش به همه مردم منطقه می‌رسد.

به همین دلیل فاز نخست طرح آبرسانی، مردم محلی را چندان ذوق زده نکرده و آنها که در مسیرخط انتقال آب زندگی نمی‌کنند امید چندانی به تغییر وضع زندگی‌شان ندارند. مدیرعامل آبفای خوزستان به جام جم می‌گوید آبی که این همه درباره‌اش حرف زده شده از روز شنبه در مخازن است و فردا که رسما در لوله‌ها جریان پیدا کند، آب تازه به برخی خانه‌ها می‌رسد.

عده‌ای از غیزانیه‌ای‌ها که جزو «برخی» محسوب نمی‌شوند، این روزها همچنان ناراضی‌اند و ضمن کلنجار رفتن با مشکل قدیمی بی‌آبی، تشنگی دام‌هایشان را نیز تماشا می‌کنند و همزمان با کرونا که لازمه‌اش شست‌وشوی مدام است نیز می‌جنگند.

آبِ ناپایدار

آبی که قرار است چشم مردم ۳۰ روستای غیزانیه به جمالش روشن شود، از ایستگاه آبگیر شهر شیبان می‌آید که آن هم از رود نجیب و بخشنده کارون گرفته می‌شود. کاری که تا امروز برای غیزانیه کرده‌اند همان مختصری است که مدیرعامل آبفای خوزستان می‌گوید؛ یعنی لوله‌کشی از ایستگاه آبگیر شیبان تا روستای صفیره.

مدیرعامل، اما به مختصر بودن این اقدام اعتقادی ندارد و شرح می‌دهد در صفیره، مخزن و ایستگاه پمپاژ نیز احداث کرده‌اند که می‌تواند آب تعدادی از روستاهای غیزانیه را تامین کند. تعداد دقیق روستاهایی که با این خط لوله به آب می‌رسند را امام جمعه اهواز ۳۰ روستا می‌داند که تقریبا یک سوم کل روستاهای غیزانیه است.

به همین ۳۰ روستایی هم که قرار است آب برسد، ظاهرا حرف و حدیث زیاد است و از آب شسته رفته انگار قرار نیست خبری باشد. حجت‌الاسلام موسوی‌فرد در این‌باره خبرهای خوشی ندارد و به ما می‌گوید ممکن است یک روستا روزی شش ساعت آب داشته باشد و یکی دیگر روزی ۹ ساعت و این آبرسانی بسته به هر روستا از ۳ تا ۲۴ ساعت در شبانه روز متغیر خواهد بود.

جدال با بی‌آبی

با این که امام جمعه اهواز ختم به‌خیر شدن غائله بی‌آبی درغیزانیه و تمام شدن این حرف وحدیث ها را فقط و فقط منوط به افتتاح فاز دوم طرح آبرسانی می‌داند، ولی مردمی که سال‌هاست با بی‌آبی رخ به رخ مانده‌اند، گوششان از این حرف‌ها پر است.

فاز دوم طرح آبرسانی به گفته امام جمعه از صفیره به نزهه است به طول ۲۸ کیلومتر که شش کیلومترش را انجام داده‌اند و شرکت نفت، شش کیلومترش را تعهد کرده، ۱۴ کیلومتر باقیمانده نیز شده است جزو تعهدات قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا که اگرهمه پای قول و قرارشان بمانند و تاخیری درکار نباشد به گفته موسوی‌فرد مشکل آب غیزانیه تا ۸۰ درصد حل می‌شود.

اما حتی همین حرف و این زمان‌بندی و این تقسیم مسوولیت نیز چیزی از نگرانی‌های مردم محلی کم نمی‌کند. جعفر مجدمی، عضو شورای بخش غیزانیه به ما می‌گوید هنوز مردم دنبال آب هستند و آبی که با تانکر توزیع می‌شود به دست همه مردم نمی‌رسد و به آنها که می‌رسد نیز کفاف همه نیازشان را نمی‌دهد مخصوصا نیاز احشام را. او از مردمی حرف می‌زند که آب مورد نیازشان را از تصفیه‌خانه ها یا دوره‌گردهایی که با بشکه آب می‌فروشند، می‌خرند.

این وضعیت، حسین یکی از اهالی را مثل بقیه غیزانیه‌ای‌ها کلافه کرده، کلافه از کمی و شوری آب که برای عده‌ای همراه است با نداشتن مخزن نگهداری آب و مضاعف‌شدن مشکلات.

مردم غیزانیه آب می‌خواهند. فردا شاید روبان افتتاح فاز نخست طرح آبرسانی که بریده شود، زندگی برای عده‌ای از آنها آسان‌تر شود، ولی مردم غیزانیه همه نیاز به زندگی آسان‌تر دارند نه فقط عده‌ای از آنها. خوزستان گرم است، آفتابش رحم ندارد و ساعت‌ها بر فراز آسمان می‌تابد و زمین و زمان و بشر و جاندار را تشنه می‌کند، مشکل کرونا هم که پابرجاست، پس غیزانیه دیگر توان وقت‌کشی و تعلل ندارد.

تحریم‌ها در کنار سوءمدیریت، شرایط را برای بیماران مبتلا به دیابت دشوارتر کرده است

سریال تلخ قند

میثم اسماعیلی

جامعه

چرخه عذاب اضطراب برای افراد دچار دیابت در ایران رسیده است به اول این دایره؛ دوباره خبری از کمبود انسولین دست به دست می‌شود تا هشت میلیون دیابتی در ایران با نگرانی به سرانجام این خبر فکر کنند. دی ۹۸ بود که هنوز فکر و خیال ایرانی‌ها به کرونا مشغول نشده، «سهمیه‌بندی انسولین» در برخی داروخانه‌ها از زبان مسؤولان خبرساز شد. سهمیه‌بندی‌ای که ابتدا در مشهد انجام شد و خیلی زود شهرهای دیگر ایران هم از کمبود این دارو گلایه کردند، هر چند مدتی بعد این چرخه اضطراب پایان یافت و جایش را به چالش کرونا داد اما حالا دوباره بحث کمبود انسولین در ایران به گوش می‌رسد و احتمالا حالا هشت میلیون بیمار دیابتی دارند به پیامدهای این اختلال فکر می‌کنند. برای بیماران دیابتی وقتی گزاره «کمبود انسولین» وجود دارد دلایل کمبود چندان مهم نیست، قطعا کمبود هولناک است اما از زبان مسؤولان قسمت دوم ماجرا از اهمیت بیشتری برخوردار است، این که چرا نیست. دلایل هم همیشه زیاد بوده؛ از این که برخی سوداگران با اخذ سهمیه بیشتر انسولین از داروخانه‌ها آن را در ناصرخسرو با چندین برابر قیمت پول می‌کنند گرفته تا مشکلات کمبود منابع ارزی و البته تحریم‌هایی که نفس بیماران دیابتی در ایران را به شماره انداخته است.

توجیه دارو تحریم نیست حالا برای همان‌هایی که از ابتدا آن را توجیه بی‌کفایتی وزارت بهداشت می‌دانستند خریدار ندارد، چرا که حالا برای همه آنها هم ثابت شده حتی اگر تحریم نباشد راه خریدن و تهیه آن تحریم است. فارغ از دلایل کمبود انسولین یعنی همان قسمت دوم ماجرای مورد علاقه مسؤولان باید اعتراف کنیم انسولین کالای زینتی نیست که مردم شرایط کمبود آن را درک کنند، داروی مهمی است برای هشت میلیون ایرانی درگیر با این بیماری که اگر نباشد پیامدهای بازگشت‌ناپذیری برایشان به همراه دارد؛ پیامدی که هر بار با انتشار خبری از کمبود آن در بازار، کابوسی تلخ روی سر بیماران پرواز می‌کند و می‌نشیند ابتدای چرخه عذاب اضطراب.

تحریم‌ها و سهمیه‌بندی انسولین

انسولین مانند کلیدی است که امکان جذب قند در سلول‌ها را فراهم می‌کند. در صورت کمبود انسولین، مستقل از میزان قند واقعی در خون، بدن احساس ضعف خواهد داشت. این توصیفی خلاصه از دیابت است. با این تعریف، دیابت فراوانی بسیاری در ایران دارد، آن طور که مسؤولان آمار می‌دهند شرایط بدنی بیش از هشت میلیون ایرانی با توصیف ابتدایی این بیماری همخوان است. این در حالی است که هنوز ۳۰ درصد مردم به داشتن علائم این بیماری ناآگاه هستند.

فراوانی تعداد بیماران دیابتی در ایران آنقدر هست که یکی از بالاترین میزان ارزبری‌های دارویی در کشور مربوط به انسولین باشد. سرچشمه مشکل هم همین جاست. چرا که ایران حالا سال‌هاست با تحریم‌های ظالمانه آمریکا روبه‌روست و در رابطه با تامین ارز برای تهیه انسولین دچار مشکلات عدیده‌ای است. راه‌حل فعلی این وضعیت اما همانی است که بود. این راه حل به طور خلاصه از زبان فاطمه آقازاده مدیر نظارت فرآورده‌های دارویی معاون غذا و داروی آذربایجان‌غربی عنوان شده است.

او می‌گوید: « به علت کمبود مقطعی و کشوری، توزیع در سطح همه داروخانه‌ها امکان‌پذیر نبوده و به جهت کنترل و نظارت دقیق بر نحوه توزیع، مقرر شد که این میزان در بین تعداد محدودی از داروخانه‌های منتخب توزیع شود که در صورت رفع کمبود مجددا توزیع آن در کلیه داروخانه‌ها صورت می‌پذیرد.»

ذائقه دیابتی‌ها فرق کرده

هم در گفته‌های فاطمه آقازاده و هم از حرف‌های محمدرضا شانه‌ساز می‌توان متوجه شد انسولینی که حالا در داروخانه‌ها یافت نمی‌شود «انسولین قلمی» است. رئیس سازمان غذا و داروی وزارت بهداشت بخشی از دلایل نایاب‌شدن انسولین قلمی را تغییر ذائقه و سلیقه بیماران می‌داند. او می‌گوید: «با وجود این که سال‌ها این دارو را به صورت ویال در کشور تولید می‌کردیم، اما به دلیل این که ذائقه و سلیقه بیماران عوض شده و به سمت «پن» و اقلام دیگر انسولین تغییر یافته، در تامین این اقلام با مشکلاتی مواجه هستیم.» فارغ از تغییر ذائقه برای استفاده از انسولین قلمی دلیل دیگر کمبود این نوع انسولین را باید منحصر بودن این دارو به واردات دانست، چرا که آن طور که مسؤولان وزارت بهداشت می‌گویند در حوزه دیگر انواع انسولین تولیدات داخلی توانسته به نوعی جایگزین تاخیر و اختلال در بازار دارو باشد.

همنشینی اضطراب و انسولین

این روزها اگر به داروخانه‌ها سر بزنید و سراغ داروی بیماران مبتلا به دیابت را بگیرید، بیشتر با واژه نداریم روبه‌رو می‌شوید. همه آن چند نفری که با روزنامه جام جم حرف زده‌اند در این نکته گفته مشترکی دارند که برای یافتن انسولین حالا چند روزی است داروخانه به داروخانه سر می‌زنند. نکته مشترک دیگر در گفته‌های این افراد در اضطرابی نهفته است که خبر کمبود انسولین آن را ایجاد کرده است. دکتر اسدا... رجب، رئیس هیات‌مدیره انجمن دیابت ایران هم به این نکته اشاره پررنگی دارد. او می‌گوید: «هشت میلیون یعنی جمعیت بزرگی از کشور به دیابت مبتلا هستند. حالا در نظر بگیرید اگر قرار باشد خبری مبنی بر کمبود داروی مخصوص این افراد پخش شود، چه نگرانی و استرسی در این افراد به وجود می‌آید و تا چه میزان هجوم به داروخانه‌ها برای خرید دارو افزایش می‌یابد.»

وقتی از پیامدهای انتشار خبر کمبود انسولین از یکی از بیماران هم می‌پرسیم او برای فهم حال روانی‌اش فقط یک کلمه می‌گوید: «وحشتناک». توضیح او درباره پیامدهای نبود انسولین میزان وحشتش را توجیه می‌کند. خلاصه‌اش می‌شود کمای دیابتی و سکته‌مغزی و مرگ. حالا می‌توان متوجه شد برای آنهایی که حتی لغو یک وعده تزریق انسولین آنها را در راه این سرانجام خاموش می‌کشاند خبر انتشار کمبود انسولین چه فشاری روی روان آنها می‌گذارد.

فاصله دور «به زودی»!

این روزها که دوباره چرخه کمبود داروی انسولین آغاز شده‌است و هم در گذشته که این کمبودها خودش را به چشم می‌آورد از زبان بسیاری از مسؤولان وعده‌ای با قید «به‌زودی» عنوان می‌شده‌است. در همه اخبار مرتبط گذشته قید «به‌زودی» را می‌توان به چشم دید. این بار هم در بر همان پاشنه می‌چرخد و این وعده همچنان با لحنی آرام در میانه اخبار ناگوار از زبان این مسؤولان شنیده می‌شود. محمدرضا شانه‌ساز، رئیس سازمان دارو و غذا این قید را این‌طور عنوان می‌کند: «در مجموع به دنبال برنامه‌ریزی که صورت گرفته و تولیدی که در داخل کشور توسط چند شرکت خواهیم داشت، به زودی شاهد هیچ کمبودی در زمینه تامین انسولین برای بیماران نخواهیم بود.» قید «به‌زودی» معطوف به وعده تولید انسولین قلمی داخلی است. در میانه گفته‌های کیانوش جهانپور، سخنگوی وزارت بهداشت می‌توان به این وعده و قید دست پیدا کرد. او با اشاره به کمبود انسولین در بازار داروی ایران و مشکلات ارزی و تحریم‌ها و گلایه از سوءاستفاده‌گران گفته‌است «انسولین قلمی تولید داخل نیز به‌زودی وارد بازار خواهد شد» از تناقض عجیب «به‌زودی» و فاصله آن تا رسیدن این دارو به بیماران‌مبتلا که بگذریم حتی تحقق این وعده چندساله هم آنطور که بیماران دیابتی می‌گویند جای خوشحالی ندارد. یکی از این بیماران که چهارسالی است دچار معضلات این بیماری است می‌گوید: «تولید داخلی انسولین قلمی خبر استرس‌زایی است. چراکه ممکن است بدن، واکنش‌های متفاوتی به داروی داخلی داشته باشد چرا که سال‌هاست ذائقه این بیمار به داروی پیشین عادت کرده‌است و دوم این‌که احتمالا با ورود داروی داخلی داروی پیشین غیرقابل دسترس‌تر خواهد شد.»

شانه‌ساز: در مجموع به دنبال برنامه‌ریزی که صورت گرفته و تولیدی که در داخل کشور توسط چند شرکت خواهیم داشت به زودی شاهد هیچ کمبودی در زمینه تامین انسولین برای بیماران نخواهیم بود